

تحلیل روابط ناتو - جنوب در چهارچوب ابتکار استانبول؛ چالش‌ها و سناریوهای پیش رو

* امیر عباس قاسم پور^۱، رضا جلالی^۲، اردشیر سنایی^۳

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه بین الملل و مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۳. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

چکیده

پیمان ناتو در دهه‌های گذشته جدا از مقابله با توسعه‌طلبی شوروی سابق و پیمان ورشو در چهار بحران دیگر نیز دخالت کرده است؛ بحران شبه‌جزیره کره، بحران لبنان، بحران کویت و بحران بوسنی. نکته جالب اینجاست که دخالت ناتو در این بحران‌ها هر چند با چتر حمایتی و قانونی سازمان ملل و شورای امنیت انجام می‌شده؛ اما اساساً در چهارچوب اهداف سازمانی آن نمی‌گنجد. به اعتقاد برخی از کارشناسان، ناتو با بحران هویت مواجه بوده و اختلافات شدید میان راهبردهای امنیتی کشورهای عضو آینده مبهمی را برای آن ترسیم کرده است. نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۴ و تصویب سند ابتکار همکاری استانبول نقطه شروع همکاری‌های رسمی ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بود. در این نشست از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دعوت شد تا وارد همکاری‌های امنیتی - نظامی با ناتو شوند. قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی چهار کشوری هستند که تاکنون به این دعوت پاسخ مثبت داده و با انعقاد پیمان‌های امنیتی یا قراردادهای مبادله اطلاعات نظامی - امنیتی همکاری‌هایی را با ناتو آغاز کرده‌اند؛ اما پس از گذشت دو دهه از امضای این سند، سوال اینجاست که وضعیت همکاری اعضای این شورا با ناتو در چه وضعیتی قرار دارد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همکاری بیشتر اعضای شورای همکاری خلیج فارس با ناتو، طی سال‌های اخیر، تعاملات امنیتی را دربر می‌گرفته؛ اما در آینده این همکاری‌ها به سمت مقابله با تهدیدات نوین، از طریق کمک به ساخت یک الگوی امنیتی - مشارکتی - منطقه‌ای با محوریت ایران پیش خواهد رفت.

کلیدواژه‌ها:

ناتو، شورای همکاری،
ابتکار استانبول، سناریو.

* نویسنده مسئول:

امیر عباس قاسم پور

نشانی:

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران

مرکزی، تهران، ایران

پست الکترونیک:

tarjoman_2020@yahoo.com

استناد به این مقاله:

قاسم پور، امیر عباس، جلالی، رضا و سنایی، اردشیر (۱۴۰۳). تحلیل روابط ناتو - جنوب در چهارچوب ابتکار استانبول؛ چالش‌ها و سناریوهای پیش رو. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱۶(۱)، ۲۳۳-۲۰۵.

۱. مقدمه

کشورها با احتساب اینکه منافع آنها در دستیابی به یک هدف مشترک حفظ می‌شود، وارد یک اتحاد می‌شوند. می‌توان گفت کشورهایی که قدرت کافی برای تحقق اهداف خود را دارند یا دارای قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، ممکن است برای کاهش هزینه‌ها، کم کردن زمان یا توجیه اقدامات کشور خود در مداخلات در سایر کشورها، از طریق اتحاد اقدام کنند و وارد اتحاد شوند. ایالات متحده آمریکا ناتورا که در ابتدا یک اتحاد نظامی منطقه‌ای بود؛ اما در سال ۲۰۰۸ سازمان‌دهی مجدد کرد تا مشکل امنیت قدرت (اقتصادی، سیاسی و نظامی) در غرب اروپا و دریای مدیترانه را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کند که با منافع خود پس از جنگ جهانی دوم سازگار باشد (Gü rses, 2023: 11). ۱۲ کشور از آمریکای شمالی و اروپای غربی در سال ۱۹۴۹، پیمان واشنگتن را امضا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را تأسیس کردند. در ابتدا، هدف اصلی سازمان جلوگیری از توسعه‌طلبی شوروی بود؛ اما ناتو دو هدف دیگر داشت: منع احیای میلیتاریسم ملی‌گرا در اروپا از طریق حضور قوی آمریکای شمالی در این قاره و تشویق یکپارچگی سیاسی اروپا. پس از ۷۳ سال، ناتو از طریق گسترش شرق پس از سال ۱۹۹۱، به ۳۰ کشور عضو رسیده است. این سازمان هنوز نقش مهمی برای صلح و ثبات بین‌المللی و بیشتر در منطقه فرآتلانتیک ایفا می‌کند. در واقع، ناتو که محصول دوران بعد از جنگ جهانی و آغاز جنگ سرد بود، پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی و دگرگونی هنجارها و قواعد بازی در نظام بین‌الملل با بحران وجودی مواجه شد و نبود رقیب راهبردی در تعاملات بین‌المللی فلسفه وجودی کارکردی ناتو را با چالش‌های بنیادینی روبه‌رو کرد و حتی این سؤال میان اعضای ناتو و جامعه بین‌الملل به وجود آمد که اساساً سازمانی که در مقابل خطر شوروی به وجود آمده بود پس از فروپاشی شوروی چه جایگاهی خواهد داشت؛ اما اعضای ناتو با خواست ایالات متحده آمریکا و با درک موقعیت جهانی و نظام بین‌الملل و با تغییر بازشناسی موقعیت خود و تغییر رویکرد از رویکرد نظامی و دفاعی به رویکردهای سیاسی و اجتماعی توانستند بقای خود را تضمین کنند و راهبرد جدید «گسترش ناتو» را برای تأثیرگذاری راهبردی-امنیتی ناتو در پیش بگیرند. مفهوم گسترش ناتو بر مبنای راهبرد تغییر در عین تداوم استوار است که از سیاست‌های فرآتلانتیکی ایالات متحده محسوب می‌شود و ضرورت افزایش محدوده ناتو را برای ارتقای جایگاه راهبردی-امنیتی آن تجویز می‌کند. در این میان، خاورمیانه و خلیج فارس به‌عنوان زیرسامانه‌های امنیتی-منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای را در چشم‌انداز راهبردی ناتو به خود اختصاص

داده‌اند خاورمیانه و خلیج فارس به دلایل متعددی برای آمریکا، که نقشی انکارناپذیر در گسترش ناتو به این منطقه دارد، دارای اهمیت است؛ از این رو، این منطقه در سال‌های اخیر بیشترین توان و انرژی دستگاه نظامی و دیپلماسی آن کشور را به خود معطوف کرده است. آنچه در این میان اهمیت دارد کیفیت نظم و امنیت منطقه است. تحلیل همکاری‌های ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در چهارچوب سند ۲۰۰۴ و احتمال گسترش این همکاری‌ها به جنوب، موضوعی است که پژوهش حاضر به آن پرداخته است. پژوهش معتقد است که همکاری‌های آتی ناتو و جنوب و خصوصاً شورای همکاری خلیج فارس در چهارچوب مقابله با تهدیدات نوین، از طریق کمک به ساخت یک الگوی امنیتی- مشارکتی- منطقه‌ای با محوریت ایران پیش خواهد رفت.

۲. پیشنهاد پژوهش

عنایت‌اله یزدانی، احمد جالینوسی و محسن پورکریمی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «دلایل گسترش ناتو به خاورمیانه با مطالعه موردی خلیج فارس» به این موضوع اشاره کرده‌اند که ناتو با شناسایی عوامل تهدیدزا و جوسازی‌های امنیتی بیشتر در راستای تهدید تلقی کردن ایران و ایجاد نگرانی‌ها در مورد امنیت در منطقه، توانست با برگزاری نشست استانبول به حضور خود جنبه رسمی ببخشد. همچنین با برگزاری نشست‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی در کشورهای مرکز، نفوذ خود را روزبه‌روز در منطقه بیشتر کرده است و این امر در به حاشیه افکندن ایران و عراق از مدیریت منطقه تأثیرگذار بوده است. همچنین سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۰) در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی» معتقد است: آمریکا به دنبال جلوگیری از هژمون شدن جمهوری اسلامی ایران و همچنین جلوگیری از شکل‌گیری الگوی حکومت اسلامی در منطقه و به دنبال ایجاد الگوی جهانی لیبرال دموکراسی در منطقه است که در این زمینه می‌توان به ایجاد دولتی نمونه و سرمشق در عراق اشاره کرد. محمود محمدی (۱۳۸۸) هم در کتاب خود «اثر ماموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران» معتقد است: «ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعه‌مذهب دنیای اسلام، مدت‌ها پیش از آنکه انقلاب اسلامی در آن به وقوع بپیوندد، نقشی مهم در پدید آوردن حرکت‌های اسلامی در سطح منطقه خاورمیانه داشته است. نگاهی به جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی در دوران معاصر بیانگر آن است که اندیشه‌ها و اقدامات مبارزانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، دایره مبارزات خود با استعمار را تا مصر و شمال آفریقا گسترش دادند یا مبارزات گروه‌هایی همچون فدائیان اسلام، که با گروه‌های سنی‌مذهب مثل اخوان المسلمین در ارتباط بودند و حمایت از اعراب مسلمان فلسطینی از جمله

اهداف آنان بود، نشان‌دهنده پیوند میان مسلمانان ایران با هم‌دینان خود در کشورهای دیگر منطقه است.»

۳. ناتو و گسترش به شرق

هر چند ناتو در مقابل اتحاد جماهیر شوروی، پیمان ورشو و گسترش کمونیسم شکل گرفته بود؛ اما تحولات دهه ۹۰ به‌خوبی نشان داد که به‌رغم فروپاشی کمونیسم در شوروی و شرق اروپا، ناتو توانست به‌منزله نهادی فرامنطقه‌ای به حیات خود ادامه دهد. در اوایل دهه ۹۰، عده‌ای معتقد بودند با پایان جنگ سرد، تهدید علیه امنیت اروپا از بین نرفته؛ بلکه این قاره در مقابل نوع جدیدی از تهدیدها قرار گرفته است. محققان و سیاستمداران موافق با این نظریه، مجموعه تهدیدهایی مانند بی‌ثباتی در شرق اروپا، به‌ویژه درگیری‌های قومی در بالکان، امکان بروز جنگ در جمهوری‌های سابق، احتمال بروز ناآرامی‌ها در سطح جهان و تهدید کشورهای اروپایی، تهدیدهای غیرنظامی مانند آلودگی محیط‌زیست، حقوق بشر، تسلیحات کشتار جمعی و شیمیایی، رادیکالیسم اسلامی، تروریسم و مواد مخدر را در سال‌های بعد به‌منزله تهدیدهای بالقوه علیه امنیت اروپا مطرح کردند. در واقع، این محققان و سیاستمداران با وسعت دادن به ابعاد تهدید و تعریف جدید و فراگیر مفهوم امنیت دولت‌های غربی کوشیدند توجه‌هایی را برای ادامه حیات ناتو و خروج از بحران موجودیت و هویت آن ارائه دهند. سرانجام، این تحلیل‌ها استحکام پیدا کرد و تجدید حیات ناتو را پس از جنگ سرد موجب شد.

درواقع، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که ساخته و پرداخته سال‌های جنگ سرد بود، پس از تحولات دهه ۹۰، با بحران موجودیت روبه‌رو شد و سران آن می‌دانستند که ساختار ناتو پاسخ‌گوی تحولات بین‌المللی نیست و در این حال، با توجه به تغییر تهدیدها از کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی به مسائل مختلفی چون تروریسم، رادیکالیسم اسلامی، ظهور سرمایه‌داری انحصاری و پیدایش قدرت‌های هژمونیک مانند چین و ترس از احیای مجدد قدرت روسیه، لزوم تداوم حیات ناتو و گسترش حوزه جغرافیایی آن به سمت شرق به یک ضرورت تبدیل شده بود.

بدین ترتیب، به‌تدریج حوزه فعالیت آن به طرف شرق و جنوب گسترش پیدا کرد. تعریف جدید ناتو از ژئوپلیتیک و سیاست‌های اعضای برجسته ناتو از جمله آمریکا در این زمینه باعث شد گسترش ناتو به شرق از نظر حوزه جغرافیایی و امنیتی با پذیرش عضویت کشورهای شرق اروپا و مشارکت بازیگران آسیای مرکزی در طرح مشارکت برای صلح تکمیل شود. در واقع، باید

گفت سران ناتو با ارائه تعریف نوین از تهدید مشترک، امکان تجدید حیات این نهاد را فراهم کردند. به عبارت دیگر، از یک سو، تغییر تهدید شرق به تهدید جنوب، که همان رادیکالیسم اسلامی، جنبش‌های اسلام‌گرا و تروریسم بود و از سوی دیگر، مجموعه تحولات اروپای شرقی و آسیای مرکزی باعث شد تا پیمان آتلانتیک شمالی نه تنها از بین نرود؛ بلکه حوزه فعالیت خود را به شرق نیز گسترش دهد.

طرح گسترش حوزه فعالیت ناتو در خارج از مرزهای ۱۶ عضو اصلی در اروپای غربی، در اجلاس ماه ژوئن سال ۱۹۹۰ لندن بررسی و در نشست ماه نوامبر سال ۱۹۹۱ سران در رم تصویب شد. مانفرد ورنر، دبیرکل وقت ناتو، هدف از گسترش جغرافیایی ناتو را تأسیس ارتباط امنیتی اروپای غربی با کشورهای اروپای مرکزی و شرق اروپا برای استحکام ثبات در اروپا دانست. به دنبال آن، در سال ۱۹۹۱، جیمز بیکر و هانس دیتريش گنشر طرح گسترش روابط ناتو با کشورهای شرقی و آسیای مرکزی را از طریق شورای هماهنگی ناتو ارائه دادند. در اجلاس سال ۱۹۹۰ لندن، که در واقع مقدمه گسترش ناتو بود، بیانیه‌ای مبنی بر نقش ناتو در ترسیم اروپای نوین و لزوم برقراری ارتباط ناتو با کشورهای اروپای شرقی صادر شد.

۴. اهداف امنیتی و ژئوپلیتیک ناتو در گسترش به شرق

برخی محققان و آگاهان سیاسی بر این باورند که گسترش ناتو به شرق ماهیت چندگانه‌ای دارد و برای پی بردن به اهدافش باید ماهیت تحولات جهان امروز، به‌ویژه تحولات اروپا را به‌خوبی درک کرد. آنها معتقدند سرنوشت امنیتی اروپا به تمامی کشورهای اروپایی مربوط می‌شود و بهترین نظام امنیتی - نظامی است که کل اروپا را شامل می‌شود. در واقع، آنها با این تفسیر دو هدف عمده را دنبال می‌کنند (Stanliy:2018:11):

(۱) گسترش ناتو تنها کشورهای اروپایی را دربر می‌گیرد.

(۲) تهدیدهای امنیتی، خارج از محدوده جغرافیایی اروپاست.

به عبارت دیگر، آنها حوزه جغرافیایی امنیت را از اروپا به خارج از مرزهای آن گسترش داده‌اند؛ حوزه‌ای که اهداف بلندمدتی را در درون خود جای داده است. البته افزون بر این دیدگاه، نگرش‌های دیگری نیز وجود دارد که گسترش ناتو را تحلیل می‌کند. برای نمونه، برخی محققان و تحلیلگران، گسترش ناتو به شرق و تغییر و گسترش محدوده جغرافیایی و امنیتی آن را فریبی از

جانب آمریکا برای یکه‌تازی در جهان پس از فروپاشی نظام دوقطبی قلمداد می‌کنند و گروه دیگر نیز با بدبینی بیشتر، گسترش ناتو را در راستای گسترش فرهنگ و سیاست آمریکا-اروپا با هدف کم‌رنگ شدن و فروپاشی تمدن اسلامی- ارتدکس موجود در شرق اروپا می‌دانند.

۵. ناتو بعد از ۲۰۱۰

در جمع‌بندی مفهوم نوین امنیتی ناتو، که در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۱۴ در ولز انگلستان^۱ نیز مجدد تایید شد، قابل ذکر است که «مشارکت فعال دفاع مدرن»^۲ گام روبه جلو دیگری از ناتو برای تطبیق با ژئوپلیتیک غیرقابل پیش‌بینی و بسیار پیچیده عصر حاضر است تا همچنان خود را به عنوان کنشگری فعال در ژئوپلیتیک جهانی حفظ کند. در نتیجه، رهبران ناتو این واحد سیاسی را به مثابه یک پروژه در حال پیشرفت باقی گذاشتند و همان‌طور که وینستون چرچیل^۳ در مورد همکاری دفاعی اروپا در سال ۱۹۴۸ گفت که «ما در حال ساخت یک ماشین نیستیم، ما در حال رویاندن یک گیاه زنده هستیم و باید منتظر بمانیم و ببینیم چه چیزی از آن حاصل می‌شود» (toje, 2008:8)؛ بنابراین آنها تاریخ خود را، که ملهم از سیاست گسترش تدریجی ثبات و دموکراسی از طریق برقراری امنیت بود، همچنان ادامه دادند (Koolayi, 2006:51). ناتو در یک تبیین ژئوپلیتیکی در حال قلمروسازی است؛ به عبارت دیگر، ناتو تلاش دارد برای حفظ و گسترش حاکمیت ارزش‌های لیبرال دموکراسی و بازار آزاد، به عنوان موتور محرک نظام جهانی معاصر، قلمرو جغرافیایی ارزشی خود را در خارج از منطقه گسترش دهد و این یعنی قلمروسازی.

در نشست لیسبون، اعضای ناتو پنج سند مهم و کلیدی را تصویب کردند؛ سند اول «مفهوم نوین راهبردی ناتو» بود که اعضا آن را با عنوان «مشارکت فعال، دفاع مدرن: مفهوم نوین استراتژیک ناتو» در ۱۱ صفحه و ۳۸ بند تصویب کردند. در این سند، اصول و وظایف کلی سازمان برای یک دهه آینده ترسیم و نوع تعریف از محیط امنیتی مشخص شد. سند بعدی شامل ۵۴ بند است که در واقع خلاصه‌ای از مجموعه مباحث و تصمیمات اتخاذشده در این نشست بود. بیانیه مشترک شورای ناتو- روسیه، سند دیگر نشست لیسبون است که در پایان نشست شورای ناتو- روسیه در سطح سران ارائه شد. چهارمین مورد، سندی با عنوان اعلامیه ناتو و افغانستان در زمینه مشارکت پایدار بود که رویکرد ناتو در افغانستان را طی سال‌های آینده

1. NATO Wales Summit 2014
2. Active participation in modern defense
3. Sir Winston Leonard Spencer - Churchill

مشخص کرده است. آخرین سند نیز اعلامیه‌ای بود که سران دولت‌های مشارکت‌کننده در عملیات افغانستان یا همان کشورهای «ایساف»^۴ شامل ۴۸ کشور ارائه کردند.

در نشست لیسبون در سال ۲۰۱۰، افزایش امنیت سازمان از طریق همکاری بیشتر با سایر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های شریک بود. مهم‌ترین وظایف ناتو براساس مفهوم نوین استراتژیک بدین شرح بیان شده است:

الف) دفاع دسته‌جمعی: کشورها در برابر حمله طبق ماده ۵ پیمان واشنگتن به یکدیگر کمک می‌کنند. آثار بادوام این التزام و تعهد بر بازداشتن و دفاع در برابر هر تهدید و ظهور چالش‌های امنیتی به‌صورت کلی و جزئی است.

ب) مدیریت بحران: ناتو یک سازمان منحصر به فرد و دستگاهی عظیم با ظرفیت‌های سیاسی و نظامی برای مقابله با طیف کاملی از بحران‌ها، قبل از شکل‌گیری بحران، زمان وقوع بحران و پس از وقوع بحران است. ناتو ابزارهای مناسب سیاسی و نظامی برای مدیریت بحران‌هایی که ظرفیت تأثیر بر امنیت را دارند، در اختیار دارد.

ج) همکاری امنیتی: ناتو متعهد است، امنیت بین‌المللی را از طریق مشارکت با کشورها و سایر سازمان‌های بین‌المللی برقرار کند که این امر به‌وسیله همکاری فعال در کنترل سلاح، عدم‌تکثیر و خلع سلاح و حفظ درهای باز برای عضویت همه دموکراسی‌های اروپایی، که مطابق معیارهای ناتو هستند، صورت می‌گیرد (Baltes, 2011:19).

همچنین رهبران ناتو تصمیم گرفتند، اهمیت بیشتری را برای مشارکت انعطاف‌پذیر و فراگیر قائل شوند. به‌علاوه، برای حمایت از کنترل خلع سلاح و عدم‌تکثیر، ناتو اقداماتی را برای تقویت با مشارکت شرکا در نظر گرفته است. این موضوع شامل طرح‌هایی برای تقویت گفت‌وگوی سیاسی برای عضویت شرکای جدید در سراسر نظام بین‌الملل است. ناتو همزمان همکاری با اعضای شورای مشارکت یورو-آتلانتیک، گفت‌وگوی مدیترانه، ابتکار مشارکت با رژیم صهیونیستی و مشارکت با روسیه را توسعه می‌دهد. در لیسبون، شورای ناتو-روسیه، راه به سوی یک راهبرد مشارکت حقیقی بین پیمان و فدراسیون روسیه را آغاز کرد. تحلیل مشترک از چالش‌های امنیتی فراگیر قرن ۲۱، شناسایی منافع مشترک و با اهمیت، از جمله مقابله با

4. International Security Assistance Force (ISAF)

تروریسم، مواد مخدر، دزدی دریایی و... تأیید شد. علاوه بر این بحث، بر سر موضوع همکاری دفاع موشکی و ادامه گفت‌وگو برای ارزیابی مشترک از تهدیدهای موشکی بالستیک توافق شد. از طرفی، بر همکاری بیشتر با سازمان ملل و اتحادیه اروپا نیز در این خصوص تأکید شد (Baltes, 2011:6).

بعد از ۲۰۱۰ و در سند راهبردی آمریکا، موضوع گسترش همکاری‌های فراآتلانتیکی مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود. این رویکرد به‌گونه‌ای تدریجی به حوزه برنامه‌های اجرایی پیمان آتلانتیک شمالی منتقل شد. اهدافی همانند حفظ و پایداری قدرت به‌عنوان عامل بازدارنده در مقابل تجاوز و ایجاد فضای سیاسی باثبات در راهبرد جدید ناتو تبیین شد. نتایج حاصل از گزارش تنظیم‌شده بلندمدت در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که در سال‌های بعد از مداخله ناتو در افغانستان و عراق، هنوز کشورهای عضو نسبت به امنیت فراآتلانتیک متعهد هستند. گزارش دورنمای عملیاتی - راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی نشان می‌دهد که جلوه‌هایی از پیوند امنیتی آمریکا با اروپا در دستور کار قرار گرفته است.

در واقع امنیت دائمی آمریکا با امنیت اروپا مرتبط است. در این گزارش تأکید شده است که امنیت کلیه اعضا تفکیک‌ناپذیر است؛ بنابراین حمله به یک کشور عضو به‌مثابه حمله به تمامی اعضا تلقی می‌شود. این موضوع در ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی در قالب امنیت دسته‌جمعی اعضا تأکید شده است (Zagarski, 2009:1). ترکیب نیروهای نظامی کشورهای عضو باید از قابلیت‌هایی برخوردار باشد که توان بازدارندگی در برابر حمله احتمالی علیه هریک از اعضا را ایجاد کند، امنیت حوزه نفوذ کشورها را سازمان‌دهی کند و زمینه‌های لازم برای توسعه حوزه عملیاتی کشورهای عضو ناتو و آمریکا را به‌وجود آورد؛ بنابراین مقابله با بحران‌های منطقه‌ای را می‌توان در زمره کارویژه‌های عملیاتی ناتو در دوران بعد از جنگ سرد دانست. در گزارش ۲۰۲۰ لئون پانتا در ژانویه ۲۰۲۱ به این رویکرد توجه شده است.

ناتو گسترش در منطقه غرب بالکان، گرجستان و اوکراین را هدف‌گذاری کرده است. طبق اصل دهم پیمان آتلانتیک شمالی و اصول گسترش، روند عضویت کشورهایی که نامزد عضویت در ناتو هستند، باید از حرکت جلورونده برخوردار باشد و کشورهای نامزد عضویت اقدامات لازم را به‌عمل آورند. طرح راهبرد جدید، دبیرکل سازمان را ترغیب می‌کند تا به سمت اهداف بلندمدت در زمینه اصلاحات ساختاری برای افزایش قدرت تصمیم‌گیری به موقع اعضا با

کارایی بالاتر و هزینه کمتر گام بردارد. کشورهای عضو ناتو باید این حقیقت را در نظر داشته باشند که طرح راهبرد جدید، سندی خواهد بود که نه تنها در بین جوامع یورو-آتلانتیک، بلکه در تمامی مناطق جهان به‌ویژه در حوزه‌های ژئوپلیتیکی بحران‌ساز مدنظر قرار خواهد گرفت (Yaffe, 2004:65).

کارگزاران راهبردی آمریکا معتقدند کشورهای عضو ناتو باید در نظر داشته باشند که منافع متحدان در سایه امنیتی ایالات متحده تأمین می‌شود. این رویکرد به‌منزله گسترش اقتدار راهبردی آمریکا در حوزه ژئوپلیتیکی متحدان به‌شمار می‌رود. تعهدات نظامی و سیاسی ناتو مادامی که با توانمندی‌های آن هم‌خوانی نداشته باشد، کم‌اهمیت جلوه خواهد کرد. طرح راهبرد جدید ناتو در سال ۲۰۱۴، باید بیانگر اولویت‌های دفاعی، توافق برای اصلاحات، ارتقای توانمندی‌ها یا ایجاد ظرفیت‌های جدید باشد. نیروهای ناتو از طریق مشارکت راهبردی می‌توانند ظرفیت دفاع از سرزمین‌های کشورهای عضو را افزایش دهند. بهره‌گیری از چنین الگوهایی را می‌توان بخشی از مأموریت‌هایی دانست که اعضای ناتو در نقاط راهبردی عهده‌دار آن هستند و بدین‌سان همواره ناتو نیازمند تحول و دگرگون کردن نیروهای خود خواهد بود. ساختار نظامی و امنیتی ناتو تلاش دارد فرایندهای جدیدی از کنش عملیاتی را سازمان‌دهی کند. انجام چنین اقداماتی به مفهوم آن است که ناتو تلاش دارد از الگویی با انعطاف‌پذیری بیشتر، تحرک و تطابق‌پذیری بهره‌مند شود (Chand, 2022:54).

نظریه‌پردازان راهبردی آمریکا بر این اعتقادند که تا زمان خلع سلاح کامل هسته‌ای، نیروهای تأمین‌کننده امنیت باید در مقابل تهدیدها به این‌گونه تسلیحات مجهز باشند. بیان چنین رویکردی به مفهوم آن است که ساختار نظامی و عملیاتی ناتو دارای ابزارهای متنوعی از جمله سلاح هسته‌ای خواهد بود. کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی در دوران‌های مختلف تاریخی، خود را با ضرورت‌های امنیتی آمریکا درباره استقرار سلاح‌های هسته‌ای هماهنگ کرده‌اند.

۶. مدل‌های مشارکت

پس از تعیین موادی در پیمان آتلانتیک شمالی، که اجازه مشارکت رسمی با کشورهای خارج از اتحاد را می‌دهد، درک نحوه عملکرد برنامه‌های مشارکت رسمی فعلی ناتو بسیار مهم است. ناتو از طریق ترکیبی از مشارکت‌های منطقه‌ای و دوجانبه با بیش از ۴۰ کشور همکاری می‌کند. اکثر این مشارکت‌ها از طریق یک چهارچوب منطقه‌ای عمل می‌کنند؛ با این حال، با ادامه

تغییر و تحول چشم انداز ژئوپلیتیک بین المللی، اتحاد به مشارکت های دوجانبه رسمی و گاهی غیررسمی تر می پردازد. لازم است به طور مختصر در مورد این چهارچوب های مشارکت بحث شود (Brown, 2023: 33).

- برنامه مشارکت برای صلح:

برنامه مشارکت برای صلح^۵، که در سال ۱۹۹۴ آغاز شد، برای توسعه روابط دوجانبه بین شرکت کنندگان مشارکت برای صلح و ناتو کار می کند. چهارچوب مشارکت به روابط فردی اجازه می دهد تا مسائل و همکاری را بر اساس اولویت های منحصربه فرد واقعیت دوجانبه در نظر بگیرد. گفت وگوهای دوجانبه با دشمنان سابق ناتو در جنگ سرد، مهم ترین هدف این طرح است و در حال حاضر با تعدادی از کشورها از جمله مهم ترین آن ها، روسیه در جریان است. کشورهای اروپای شرقی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی از دیگر شرکای ناتو در این طرح هستند (Borawski, 1995).

۲۱ کشور به برنامه مشارکت برای صلح تعلق دارند که عبارت اند از: ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بلاروس، بوسنی و هرزگوین، فنلاند، گرجستان، ایرلند، قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، مالت، جمهوری مولداوی، مقدونیه شمالی، روسیه، صربستان، سوئد، سوئیس، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین و ازبکستان. در سال ۲۰۱۱، اتحاد «تمام فعالیت ها و تمرین های مشارکت برای صلح» را برای همه شرکای ناتو، بدون توجه به رژیم شراکت خاصی که کشور شریک تحت آن با ناتو همکاری می کند، باز کرد (Brown, 2023: 41).

شراکت برای صلح: سند چهارچوب، که برنامه را تأسیس کرد، بیان می کند که با ورود به این مشارکت، کشورهای عضو و کشورهای غیرعضو ناتو «به حفظ جوامع دموکراتیک، آزادی آنها از اجبار و ارعاب و حمایت متعهد به اصول حقوق بین الملل هستند». به نظر می رسد این زبان مفهوم اساسی آرمان های مشترک را در میان کشورهای عضو ناتو و شرکت کنندگان مشارکت برای صلح نشان می دهد. بر این اساس، اگرچه تمرین های مشارکت برای صلح برای همه کشورهای شریک باز شده است و به نظر می رسد عضویت اضافی مشارکت برای صلح پس از دعوت امکان پذیر است؛ چهارچوب قانونی، که بر اساس آن برنامه مشارکت برای صلح ایجاد

5. Partnership for Peace programme

شده است، حتی اگر گسترش یابد، بعید است به راحتی بتواند به اهداف خود دست یابد.

- **گفت‌وگوی مدیترانه^۶:** این طرح با پیشنهاد شورای آتلانتیک شمالی^۷ در سال ۱۹۹۴ م. و با هدف همکاری با هفت کشور غیرعضو و مدیترانه‌ای آغاز شد. کشورهای درگیر در این طرح عبارت‌اند از: مصر، رژیم صهیونیستی، تونس، مراکش، موریتانی، اردن و الجزایر (Zhukov: ۲۰۱۶).

- شورای مشارکت یورو- آتلانتیک^۸:

شورای مشارکت یورو- آتلانتیک، که در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد، به‌عنوان «مجموعه چندجانبه برای گفت‌وگو و مشورت در مورد مسائل سیاسی و امنیتی بین متحدان و کشورهای شریک» فعالیت می‌کند. این شورا از تمام کشورهای عضو ناتو به اضافه ۲۱ کشور شریک تحت برنامه مشارکت برای صلح تشکیل شده است. شورا هر ماه در سطح سفیران و سالانه در سطح وزیران جلسه تشکیل می‌دهد. شورای مشارکت یورو- آتلانتیک از طریق برنامه کاری مشارکت اروپایی خود، از جمله مدیریت بحران و عملیات حمایت از صلح، کنترل تسلیحات، تروریسم بین‌المللی و امنیت مرزی، همکاری در زمینه‌های بی‌شمار را تسهیل می‌کند. این شورا در نظر دارد «چهارچوب سیاسی کلی برای همکاری ناتو با کشورهای شریک در منطقه یورو- آتلانتیک و روابط دوجانبه توسعه‌یافته بین ناتو و کشورهای همکار منفرد تحت برنامه مشارکت برای صلح فراهم کند (Brown, 2023: 35).

- **ابتکار استانبول^۹:** در داخل ناتو درباره روابط امنیتی خاورمیانه‌ای ناتو صحبت شده است. با الگوبرداری از دکتین موفق که در اروپا در طول جنگ سرد کار می‌کرد، چنین توافقی باید برای رفع نیازهای منطقه‌ای اصلاح شود. یک تعهد رسمی دفاعی، حفاظت کشورهای عربی خلیج فارس را تضمین می‌کند. ابتکار همکاری استانبول، که در ژوئن ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد، رابطه‌ای را بین ناتو و همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان آغاز کرد. ابتکار همکاری استانبول این مزیت را دارد که رابطه‌ای فراتر از یک توافق ساده یکجانبه با ایالات متحده است. این ابتکار چندجانبه با انبوهی از کشورهای اروپایی است که ناتو را در گوشه

6. The Mediterranean Dialogue

7. North Atlantic Council

8. Euro-Atlantic Partnership Council

9. Istanbul Cooperation Initiative

کشورهای عربی خلیج فارس قرار می‌دهد (Madson, 2006: 54).

۷. ابتکار همکاری استانبول

ابتکار همکاری استانبول یک انجمن مشارکتی است که هدف آن کمک به امنیت بلندمدت جهانی و منطقه‌ای از طریق ارائه فرصت همکاری با ناتو به کشورهای غیرعضو ناتو در منطقه وسیع‌تر خاورمیانه است. بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی در حال حاضر در این طرح مشارکت دارند. ابتکار همکاری استانبول در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۰۴ در استانبول برای ارتقای همکاری امنیتی بر مبنای دوجانبه بین ناتو و کشورهای شریک در منطقه وسیع‌تر خاورمیانه ایجاد شد. در حال حاضر، چهار کشور شرکت‌کننده در شورای همکاری خلیج فارس - بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی - به این طرح ملحق شده‌اند، در حالی که عمان و عربستان سعودی در فعالیت‌های منتخب در چهارچوب ابتکار همکاری استانبول شرکت می‌کنند. رایزنی‌های اولیه با اعضای شورای همکاری خلیج فارس انجام شد؛ اما درهای این ابتکار روی همه کشورهای علاقه‌مند در خاورمیانه، که از اهداف و اصول ابتکار همکاری استانبول حمایت می‌کنند، باز است.

۸. بنیادهای ابتکار همکاری استانبول

فعالیت‌های تحت طرح ابتکار همکاری استانبول از برنامه‌ریزی دفاعی و بودجه دفاعی گرفته تا مبارزه با تروریسم، عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و آمادگی مدنی را شامل می‌شود. این ابتکار بر پایه شش اصل اصلی استوار است: عدم تبعیض، خودمتمایزسازی، تعامل دوطرفه، عدم تحمیل، تنوع و مکمل بودن با سایر ابتکارات بین‌المللی در منطقه و بعد سیاسی. ابتکار همکاری استانبول بستری است که از طریق آن متحدان ناتو و شرکای ابتکار همکاری استانبول می‌توانند منظم ملاقات کنند و در عین ایجاد یک رابطه اعتماد، در مورد مسائل امنیتی مورد علاقه مشترک بحث کنند. این بحث و گفت‌وگوها به اتحاد اجازه می‌دهد تا با شرکای باتجربه و آگاه برای به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها تعامل داشته باشد. همچنین فرصتی برای اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای تعامل با ناتو در زمینه مسائل امنیتی است. روابط امنیتی ایجادشده با شرکای خلیج فارس برای امنیت فرآتلاتیک مهم است. جلسات غیررسمی و رسمی منظم که در سطوح مختلف (سران کشورها و دولت‌ها، سفیران، کارشناسان و کارکنان و غیره) برگزار می‌شود، بعد سیاسی ابتکار عمل

را تقویت می‌کند، همان‌طور که کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی که از سال ۲۰۰۵ برگزار شده است این هدف را دنبال می‌کند. همراه با رویدادهای قابل مشاهده، چندین نشست غیررسمی امکان بحث و گفت‌وگو در مورد موضوعات مرتبط با امنیت مشترک، تصورات ناتو در خلیج فارس و همچنین راه‌های توسعه مشارکت را فراهم کرده است. ابتکار همکاری استانبول بر اساس اصول کلیدی زیر است (North Atlantic Treaty Organization 2022):

- عدم تبعیض: به همه شرکای ابتکار همکاری استانبول برای همکاری و گفت‌وگو با ناتو مبنای یکسانی ارائه می‌شود.

- خودمتمایزسازی: ابتکار امکان یک‌رویکرد متناسب با نیازهای خاص هر شریک را فراهم می‌کند.

- تعامل دوطرفه: ابتکار همکاری استانبول یک خیابان دوطرفه است که در آن اتحاد از طریق مشاوره منظم به دنبال مشارکت شرکا برای موفقیت ابتکار است و شرکا نیازها و اهداف خود را به ناتو بیان می‌کنند.

- عدم تحمیل: شرکا در انتخاب سرعت و میزان همکاری خود با ناتو آزادند.

- تنوع: ابتکار همکاری استانبول به زمینه‌های خاص منطقه‌ای، فرهنگی و سیاسی شرکای مربوطه احترام می‌گذارد و آنها را در نظر می‌گیرد.

- مکمل بودن: این مجمع با مشارکت مکمل سایر سازمان‌های بین‌المللی در منطقه فعالیت می‌کند.

کمیته همکاری و امنیت ناتو مسئولیت کلی ابتکار همکاری استانبول را بر عهده دارد، همان‌طور که برای همه شرکات این کار را می‌کند. کمیته مسئول تعیین روش‌های توسعه فهرست فعالیت‌های عملی با کشورهای ذی‌نفع و اطمینان از اجرای موفقیت‌آمیز آن است. به شورای آتلانتیک شمالی، نهاد تصمیم‌گیری سیاسی اصلی ناتو گزارش می‌دهد و زمینه را برای تصمیماتی که باید شورای آتلانتیک شمالی در مورد ابتکار همکاری استانبول اتخاذ کند آماده می‌کند.

- سیاست گسترش نفوذ و ابتکار همکاری استانبول

ناتو تضمین بقا و تداوم حیات خویش را با سیاست «گسترش حوزه نفوذ» در پیش گرفت. سازمان

پیمان آتلانتیک شمالی، که با تغییر ماهیت از یک سازمان دفاعی صرف در دوره جنگ سرد به یک سازمان دفاعی، نظامی و امنیتی، عرصه اقدام و حوزه عملیات خود را به سراسر جهان گسترش داده است، حضور نهادینه و ایفای نقش در تحولات منطقه خلیج فارس را با تصویب طرحی موسوم به ابتکار همکاری استانبول در نشست سال ۲۰۰۴ سران در پیش گرفت. ناتو دگرگون شده با توجه به ضرورت پاسخگویی به چالش‌های جدید، آمادگی خود را برای ایفای نقش مؤثرتر در تأمین امنیت و ثبات جهانی و منطقه‌ای در درازمدت با پیشنهاد ابتکار همکاری استانبول به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در چهارچوب طرح خاورمیانه بزرگ‌تر و نیز با تأکید بر تکمیل تلاش‌های بین‌المللی دیگر در اجلاس رهبران خویش در استانبول در ژوئن ۲۰۰۴ اعلام کرد.

ابتکار همکاری استانبول مبتنی بر پیشنهاد به منطقه خاورمیانه ارائه شده است. در چهارچوب ابتکار مذکور در مرحله اول به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پیشنهاد گفت‌وگو برای شناخت و همکاری داده شد تا روابط متقابل سودمند را ترویج کنند و ثبات و امنیت را افزایش دهند. ابتکار باید در جایی که ناتو می‌تواند ارزش افزوده داشته باشد، متمرکز شود، مثلاً بر عرصه‌های دفاعی و امنیتی. علاوه بر این، با وجود اینکه این ابتکار مجزا از ابتکارات دیگر است، برای ابتکارات سایر عوامل بین‌المللی اهمیت قائل شده است و آن‌ها را تکمیل می‌کند (Tabatabai, 2012:205).

۹. همکاری‌ها در طرح همکاری استانبول

- همکاری عملی

همکاری عملی بین شرکای ناتو و ابتکار همکاری استانبول شکل‌های مختلفی دارد و می‌تواند بر زمینه‌هایی مانند همکاری نظامی به نظامی، مبارزه با تروریسم، تهدید سلاح‌های کشتار جمعی، امنیت مرزی و آمادگی مدنی متمرکز شود.

- مشارکت در عملیات و مأموریت‌های ناتو

شرکای ابتکار همکاری استانبول در بسیاری از عملیات و مأموریت‌های ناتو مشارکت داشته‌اند. برای مثال، بحرین به نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (ISAF) در افغانستان کمک کرد. کویت در سال ۲۰۱۲، اولین توافق‌نامه ترانزیت را در خلیج فارس با ناتو امضا کرد که امکان جابه‌جایی تجهیزات نظامی را در این کشور فراهم می‌کرد که این همچنین بخشی از مکانیسم آگاهی مشترک

و عدم تضاد است که ابتکار بین‌المللی برای مبارزه با دزدی دریایی اقیانوس هند در منطقه انجام می‌دهد. قطر در سال ۲۰۱۱، در عملیات محافظ واحد در لیبی شرکت کرد. امارات متحده عربی همچنین در طول سال‌ها به عملیات و مأموریت‌های ناتو کمک کرده است، نیروهای عملیات ویژه را در افغانستان به‌عنوان بخشی از عملیات آزادی پایدار، که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد، مستقر کرد و در سال ۲۰۰۸ به آیساف پیوست. امارات متحده عربی همچنین در عملیات محافظ متحد در سال ۲۰۱۱ شرکت کرد. (North Atlantic Treaty Organization 2022).

- همکاری با شرکای ابتکار همکاری استانبول

از زمان آغاز به کار، همکاری بین ناتو و شرکای ابتکار همکاری استانبول در عمق و دامنه افزایش یافته است. برنامه‌های کاری انفرادی برای هر کشور بر اساس حوزه‌های فعالیت پیشنهادی در لیست همکاری مشارکت، مانند تحولات دفاعی، همکاری‌های غیرنظامی - نظامی، مبارزه با تروریسم و آمادگی مدنی است. علاوه بر این، سایر برنامه‌های همکاری مکمل نیز در این طرح گنجانده شده‌اند. بحرین و امارات عضو ابتکار عمل همکاری ناتو و در برنامه علم برای صلح و امنیت فعال هستند. آنها همچنین در دوره‌های آموزشی در کالج دفاعی ناتو در رم و ایتالیا، از جمله دوره همکاری منطقه‌ای ناتو شرکت می‌کنند که هدف آن پیوند دادن موضوعات مورد علاقه به کشورهای گفت‌وگوهای مدیریتانه و ابتکار همکاری استانبول و ناتو توسعه درک متقابل و ایجاد شبکه بین شرکت‌کنندگان است. علاوه بر این، چندین شریک ابتکار همکاری استانبول با نیروهای ناتو در تمرین‌هایی که مرکز هماهنگی واکنش در برابر بلاهای یورو-آتلانتیک ناتو سازمان‌دهی کرده، همکاری کرده‌اند. نشست چندجانبه این مشارکت با اولین نشست ناتو+۴، که در نوامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، آغاز شد و به دنبال آن نشست‌های دیگری از این قبیل برگزار شد. این جلسات در داخل گروه ابتکار همکاری استانبول، که درست پس از راه‌اندازی این ابتکار ایجاد شد، برگزار شد که در کمیته امنیت مشارکت و تعاون مورد بحث قرار گرفته است. مرکز منطقه‌ای ناتو-ابتکار همکاری استانبول، که در سال ۲۰۱۷ در شهر کویت تأسیس شد، به‌عنوان مرکزی برای تقویت همکاری عملی بین ناتو و شرکای خود در خلیج فارس عمل می‌کند. هدف آن بهبود درک مشترک از چالش‌های امنیتی و از طریق افزایش قابلیت همکاری و استانداردسازی، امکان همکاری نزدیک‌تر است. این مرکز همکاری عملی را در زمینه‌های مختلف از جمله تحلیل استراتژیک، آمادگی مدنی، همکاری نظامی به نظامی و دیپلماسی عمومی ترویج می‌کند. فعالیت‌های آن برای همه کشورهای شرکت‌کننده در ابتکار

همکاری استانبول و همچنین عمان، عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس آزاد است (North Atlantic Treaty Organization 2022).

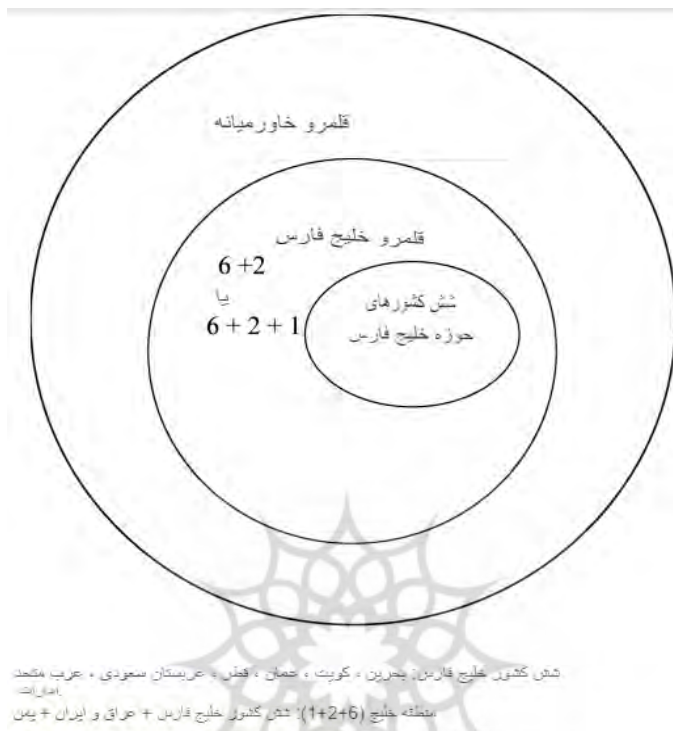
- سیر تکاملی ابتکار همکاری استانبول

ابتکار همکاری استانبول در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ در اجلاس سران ناتو در استانبول ترکیه راه اندازی شد. قبل از راه اندازی این ابتکار، یک سری مشاوره در سطح بالا توسط معاون دبیرکل وقت ناتو، سفیر مینوتوریزو^۱ با شش کشور منطقه در ماه می، سپتامبر و دسامبر ۲۰۰۴ انجام شد. این کشورها عبارتند از: بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. در طول این رایزنی‌ها، همه کشورها علاقه خود را به این ابتکار اعلام کردند. در سه ماهه اول سال ۲۰۰۵، سه کشور - بحرین، کویت و قطر - رسماً به ابتکار همکاری استانبول ملحق شدند، در حالی که امارات متحده عربی در ژوئن ۲۰۰۵ به آن پیوست. عمان و عربستان سعودی نیز در فعالیتهای منتخب در چهارچوب ابتکار همکاری استانبول شرکت می‌کنند. ابتکار همکاری استانبول از آن زمان هم از نظر سیاسی و هم از نظر عملی توسعه یافته است. در حالی که گفت‌وگوهای سیاسی به گونه‌ای تکامل یافته است که شامل جلسات سطح بالا می‌شود، بعد عملی به تدریج از طریق معرفی ابزارها و فعالیتهای مشارکت جدید و همچنین مشارکت این کشورها در عملیات و مأموریت‌های ناتو افزایش یافته است. فهرست سالانه فعالیتهای عملی با تمرکز بر حوزه‌های اولویت توافق شده برای کشورهای ابتکار همکاری استانبول در سال ۲۰۰۷ باز شد. این فهرست در ابتدا شامل بیش از ۳۰۰ فعالیت و رویداد بود. از آن زمان، تعداد فعالیتهای رویدادهای موجود برای شرکای ابتکار همکاری استانبول سه برابر شد و به نزدیک به ۱۰۰۰ رسید. بعد چندجانبه این مشارکت با اولین نشست ناتو+۴، که در نوامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، آغاز شد و به دنبال آن نشست‌های دیگری از این قبیل برگزار شد. این جلسات در داخل گروه ابتکار همکاری استانبول، که درست پس از راه اندازی این ابتکار ایجاد شد، برگزار شد. در اجلاس سران ناتو در بروکسل در ژوئن ۲۰۲۱، سران کشورها و دولت‌های متفقین تعهد خود را به منطقه تکرار کردند: «ما متعهد به تقویت تعامل دیرینه خود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هستیم. ما گفت‌وگوهای سیاسی و همکاری عملی خود را با شرکای خود در گفت‌وگوی مدیرانه‌ای گفت‌وگوهای مدیرانه و ابتکار همکاری استانبول تقویت خواهیم کرد (North Atlantic Treaty Organization 2022).

ابتکار همکاری استانبول «منو» پی از فعالیت‌های دوجانبه را ارائه می‌کند که کشورها می‌توانند از میان آن‌ها انتخاب کنند، از جمله: مشاوره در مورد تحولات دفاعی، بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی، قابلیت همکاری در تمرین‌های نظامی، آموزش مبارزه با تروریسم، مبارزه با تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، همکاری در امنیت مرزی و همکاری در برنامه‌ریزی اضطراری مدنی.

۱۰. ابتکار همکاری استانبول و کشورهای حوزه خلیج فارس

ابتکار همکاری استانبول در اجلاس استانبول، که از ۲۸ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ برگزار شد، راه‌اندازی شد. در راستای سیاست جدید ناتو، که عمدتاً با هدف مقابله با تهدیدات امنیتی انجام می‌شود، این ابتکار متوجه کشورهای خاورمیانه و از کشورهای خلیج شروع می‌شود و همکاری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس را در تعدادی از زمینه‌های کلیدی ترویج می‌کند. مانند اصلاحات دفاعی، مبارزه با تروریسم، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مدیریت بحران و امنیت مرزها. تحت چتر ابتکار همکاری استانبول، کشورهای حوزه خلیج فارس می‌توانند از مزایای ناتو در این زمینه‌ها بهره‌مند شوند، به‌ویژه زمانی که با تهدیداتی مواجه می‌شوند که نیاز به تلاش جمعی دارند. علی‌رغم اهمیت آن، این ابتکار از زمان آغاز آن در سال ۲۰۰۴ تنها واکنش محدود کشورهای خلیج را به‌دنبال داشته است. علاوه بر این، برداشت‌های رسمی و عمومی از نقش ناتو در خلیج فارس متفاوت است و سه کشور خلیج فارس، پادشاهی عربستان سعودی، سلطان‌نشین عمان و یمن، به ابتکار همکاری استانبول نپیوسته‌اند؛ بنابراین اثربخشی آن محدود شده و بر انبوهی از برداشت‌های امنیتی خلیج فارس تأکید می‌شود. علاوه بر این، برخی از دانشگاهیان همچنان با همکاری با ناتو به‌طور کلی مخالف هستند. از نظر جغرافیایی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در قلب خاورمیانه قرار دارند. علاوه بر این، بسیاری از جزایر مهم از نظر اقتصادی و نظامی در خلیج فارس واقع شده‌اند و هر کسی که آنها را کنترل می‌کند، گذرگاه‌های قدرت کلی بین خلیج فارس و اقیانوس هند را در اختیار دارد. خلیج فارس محل تنگه هرمز است؛ مهم‌ترین آبراه جهان از نظر راهبردی و تنها گذرگاه به اقیانوس باز برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس. این تنگه خلیج را به اقیانوس هند نزدیک و از آنجا به آسیای جنوب شرقی، روسیه، اروپا و سایر نقاط جهان متصل می‌کند. شکل زیر رابطه بین امنیت خلیج فارس و منطقه را نشان می‌دهد.



از نظر اقتصادی، شش کشور خلیج فارس بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی هستند که به اقتصاد جهان کمک می‌کنند. در سال ۲۰۰۷، ذخایر نفت ثابت شده در خلیج فارس ۴۸۴/۶ میلیارد بشکه (۴۱/۸ درصد از ذخایر جهان) برآورد شد که به شرح زیر توزیع شده است: امارات ۹۷/۸ میلیون بشکه در روز (۸/۴۵ درصد)؛ بحرین ۱ (۰/۱ درصد)؛ عربستان سعودی ۲۶۴/۳ (۲۲/۸۲ درصد)؛ قطر ۱۵/۲ (۱/۳۱ درصد)؛ کویت ۱۵۱/۵ (۸/۷۶ درصد) و عمان ۵/۷ مگابایت (۵ درصد).

خلیج فارس به دلیل اهمیت اقتصادی و استراتژیک خود تحت تأثیر درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد که چالشی برای شش کشور نسبتاً کوچک شورای همکاری خلیج فارس است که از یک «مجموعه اندازه» رنج می‌برند (Kish, 2009: 21).

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با توجه به اندازه محدود و جمعیت کوچکشان،

مداوم از سوی همسایگان قدرتمندتر خود هدف قرار گرفته‌اند. معضل آنها با این واقعیت تشدید می‌شود که آنها دولت‌های ثروتمندی هستند و در نتیجه همیشه هدف همسایگان خود بوده‌اند که منجر به بی‌ثباتی مزمن می‌شود و آنها را به دنبال اتحاد با ابرقدرت‌های جهان برای دفاع از خود سوق می‌دهد. به گفته دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، «تهدیدهای خارجی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه هستند ناشی از دو عامل است: عدم تعادل قدرت شدید و شکاف ژئوپلیتیکی گسترده بین قدرت مادی نسبی کشورهای خلیج فارس، یعنی ثروت نفتی که هر کشور به صورت جداگانه و جمعی در اختیار دارد و قدرت نظامی آنها باعث حسادت بازیگران منطقه‌ای پرجمعیت‌تر و قدرتمندتر آنها می‌شود.»

کشورهای حاشیه خلیج فارس در تمامی مناقشات منطقه‌ای به صورت غیرمستقیم تهدید می‌شوند، علاوه بر این، آنها با تهدیدات امنیتی متعدد داخلی و خارجی ناشی از موقعیت استراتژیک، منابع انرژی مهم و اندازه کوچک خود مواجه هستند (Kish, 2009: 21). خلیج فارس از چند سو برای ناتو اهمیت دارد:

- نخست اینکه این منطقه در مرکز خاورمیانه است.

- دوم اینکه خلیج فارس از مهم‌ترین خاستگاه‌های پایداری اسلامی در برابر غرب است که خود را با پدیده تروریسم نشان داده است.

- سوم اینکه بیش از ۶۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است.

- چهارم اینکه دلارهای نفتی توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته را به خود جلب می‌کند و هر یک از آنها می‌کوشد سهمی از این دلارها به دست آورد.

اگرچه ابتکار همکاری استانبول برای آنها مهم است؛ کشورهای خلیج فارس نیز خواسته‌های امنیتی خاصی دارند که به‌ویژه به توازن قدرت منطقه‌ای مربوط می‌شود.

علاوه بر این، دیدگاه‌ها در مورد امنیت خلیج فارس متفاوت است و درجاتی از همپوشانی بین امنیت هر یک از شش کشور و امنیت کل منطقه، شامل عراق و ایران وجود دارد. زیربنای نشست سران استانبول در سال ۲۰۰۴ این باور اصلی بود که امنیت و ثبات منطقه‌ای را می‌توان از طریق تعامل جدید فراآتلانتیک با منطقه افزایش داد. مجموعه‌ای از عوامل منجر به چنین

ارزیابی شد، از جمله تداوم نوسانات خلیج فارس، که منطقه را از یک بحران به بحران دیگر در سه دهه گذشته هدایت کرده است. چالش‌های کنونی به این صورت بروز پیدا کرده: بی‌ثباتی فزاینده در عراق، بحران بالقوه بر سر برنامه هسته‌ای ایران و همچنین تهدید گسترده‌تر تروریسم که با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مهر تعیین‌کنندگی خود را بر محیط امنیتی جهانی زده است (Asmus, 2006: 18).

۱۱. موانع طرح ابتکار همکاری استانبول

در خاورمیانه پرهرج و مرج، اجرای ابتکار همکاری استانبول کار آسانی نیست و ابتکار با تعدادی موانع روبه‌رو است که عبارت‌اند از:

پایبند نبودن عربستان سعودی و عمان: هیچ یک از این دو کشور قاطع ابتکار را قبول یا رد نکرده ؛ اما هر دو در حال بررسی محتوای آن و ارزیابی ارتباط آن با نیازهای امنیتی خود هستند.

مواضع دو کشور را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف- عربستان سعودی

عربستان سعودی معتقد است که باید قبل از ابتکار با آن مشورت می‌شد و به دنبال حضور نیروی ناتو در خلیج فارس نیست؛ زیرا شورای همکاری خلیج فارس دارای نهادهای امنیتی خاص خود است و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده قبلاً در کشورهای خلیج مستقر شده‌اند. اگر شورای نظامی خلیج فارس برای رسیدگی به هر موضوعی کافی نباشد، در آن زمان ناتو و شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. در واقع موضع عربستان در قبال ابتکار با تغییر ادراک این کشور از امنیت خلیج فارس پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و خروج نیروهای آمریکایی از عربستان سعودی و استقرار مجدد آنها در دیگر مناطق کوچک‌تر مرتبط است. به همین دلیل، عربستان سعودی اتکای خود به نیروهای غربی را برای امنیت خود کاهش می‌دهد. این موضوع به‌صراحت در صحبت‌های شاهزاده خالد بن سعود، معاون وزیر امور خارجه عربستان در پاسخ به این سوال که آیا این کشور به طرح ابتکار همکاری استانبول می‌پیوندد، آمده: «ما در منطقه تلاش می‌کنیم از اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دور شویم. ما خواهان یک منطقه عاری از اتحاد هستیم؛ زیرا به اندازه کافی مشکلات داریم و نمی‌خواهیم به مشکلات خود بیفزاییم.» این بیانیه

در راستای چشم انداز عربستان سعودی است که نماینده این کشور در مجمع گفت‌وگوی خلیج فارس، که بحرین در سال ۲۰۰۴ با همکاری موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک برگزار کرد، ارائه کرد.

بر اساس این چشم انداز، امنیت خلیج فارس در سه سطح قابل دستیابی است:

الف) سطح داخلی، شامل اصلاحات جامع در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با رعایت ویژگی‌های هر کشور؛

ب) سطح منطقه‌ای که امنیت چهار رکن دارد: شورای همکاری خلیج فارس متحد، یمن مرفه، عراق باثبات و ایران دوست.

ج) سطح بین‌المللی دارای ضمانت‌هایی از سوی قدرت‌های جهانی است که نباید جایگزین تلاش‌های منطقه‌ای شود یا جداگانه به هر کشور ارائه شود. جامعه بین‌المللی باید به نمایندگی از شورای امنیت سازمان ملل برای تضمین حاکمیت، استقلال و تمامیت منطقه‌ای همه کشورهای خلیج فارس آن را ارائه کند. موضع عربستان در قبال این ابتکار بیانگر چند نکته است:

نخست، اگر عربستان سعودی، با توجه به وزن منطقه‌ای خود، به آن پایبند نباشد، اثربخشی ابتکار محدود می‌شود. عربستان سعودی آشکارا مخالف اصل حمایت بین‌المللی از کشورهای خلیج نیست؛ اما مایل است که چنین حمایتی تحت نظارت سازمان ملل تنظیم و ارائه شود و به انحصار بازیگران منفرد پایان دهد.

دوم، اگر عربستان سعودی تصمیم به پیوستن به ابتکار همکاری استانبول بگیرد، با توجه به وجود سه دیدگاه امنیتی برای خلیج فارس، ممکن است سؤالاتی در مورد دوام شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یک نهاد جمعی مطرح شود: دیدگاه اول بین چهار کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس مشترک است. دیدگاه دوم را عربستان سعودی اتخاذ کرده و خواستار حضور چندین بازیگر بین‌المللی زیر چتر سازمان ملل است و سومین دیدگاه بی‌طرفی است که عمان اتخاذ کرده که بر اهمیت تقویت همکاری با ایران تأکید می‌کند. شایان ذکر است که امکان رد قاطع ابتکار همکاری استانبول توسط عربستان سعودی وجود ندارد. به گفته سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، «پادشاهی باید در این زمینه تصمیم مناسب را اتخاذ کند» (Kish, 2009: 21).

ب- عمان

طرح همکاری استانبول خطاب به اعضای شورای همکاری خلیج فارس بود؛ بحرین، قطر، کویت و امارات این پیشنهاد را پذیرفتند، در حالی که عربستان سعودی و عمان نه پاسخ مثبت دادند و نه رسماً آن را رد کردند. به دلیل نبود دو کشور عمده در خلیج فارس، طرح همکاری استانبول اساساً با اجزای شمالی و کوچک‌تر در میان کشورهای خلیج سروکار دارد. عمان با حفظ روابط دیپلماتیک مسالمت‌آمیز و چندجتهه با کشورهای پیرامونی، سیاست خارجی منحصر به فردی در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. این کشور روابط بسیار نزدیکی با منطقه یورو-آتلانتیک به‌ویژه آمریکا و انگلیس دارد و به موازات روابط خوب با ایران، روابط مشارکت‌جویانه با همسایگان خود در خلیج فارس را دنبال می‌کند، از این رو عمان کشوری منحصر به فرد در شورای همکاری خلیج فارس است. سیاست خارجی چندجتهه عمان منافع را هم برای خود و هم برای سایر بازیگران در غرب فراهم می‌کند. عمان در موارد متعددی میان ایران و آمریکا میانجی‌گری کرده است، از جمله پرونده سه شهروند آمریکایی که در سال ۲۰۰۹ به اتهام ورود غیرقانونی و جاسوسی در ایران دستگیر و طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ آزاد شدند. یک دانشمند ایرانی، که از اواخر سال ۲۰۱۱ به اتهام نقض تحریم‌های آمریکا در بازداشت بود، در آوریل ۲۰۱۳ دوباره با میانجی‌گری عمان آزاد شد. عمان فکر می‌کند که با پیوستن به طرح همکاری استانبول اعتبار خود را نزد ایران کاهش می‌دهد و عمان قطعاً نمی‌خواهد این کانال خاموش شود و دیپلماسی موفق را با کشوری که با آن تا حدودی کنترل تنگه استراتژیک هرمز (ایران) را در اختیار دارد، خراب کند.

۱۲. اسرائیل و ابتکار همکاری سپر ناتو و شبه جزیره

نیروی دفاعی سپر شبه جزیره، که در سال ۱۹۸۴ برای غلبه بر ناتوانی کشورهای خلیج فارس در توسعه یک قابلیت دفاعی مؤثر فردی تأسیس شد، دیگر یک نیروی بازدارنده و جمعی قوی نیست. برای غلبه بر این مشکل، عربستان سعودی در دسامبر ۲۰۰۵ پیشنهادی را ارائه کرد که هدف آن تغییر ساختار نیرو بر اساس فرماندهی متمرکز و استقرار غیرمتمرکز بود. ناتو باید با پادشاهی سعودی در مورد این پیشنهاد مشارکت و برای پیشبرد بحث‌ها کمک کند. این می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارائه حفاظت جمعی بهتر برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باشد: ایجاد نیروی واکنش سریع عرب در راستای توسعه ۲۱ هزار نیروی واکنش

قوی ناتو و بازنگری اساسی در ساختار فرماندهی نظامی این سازمان. ناتو می‌تواند تجربه خود را گسترش دهد و در نشان دادن نحوه همکاری رهبری کند. بین کشورهای عربی و خلیج فارس می‌توان ساختاری مؤثرتر داشت. یک نیروی واکنش سریع عربی مستقیماً با نیاز ناتو در توانایی مقابله با تهدیدات امنیتی فوری مطابقت دارد. آنچه را که می‌توان با واکنش متعاقب و سریع به توسعه یک بحران به دست آورد، با مداخله ناتو در مقدونیه در سال ۲۰۰۳ روشن شد.

علاوه بر این، این نیروی واکنش سریع عربی، در نهایت یک شریک طبیعی شایسته در طرف عربی فراهم می‌کند که به همان زبان صحبت و نیازهای عملیاتی لازم را درک می‌کند. این به نوبه خود به هر دو طرف اجازه می‌دهد تا مؤثرتر با تهدیدات ناشی از تروریسم جهانی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تجارت غیرقانونی مواد مخدر و سلاح همکاری کنند. عضویت شورای همکاری خلیج فارس در ناتو بر اساس تجربه ناتو و موفقیت بعدی آن در گسترش عضویت آن به کشورهای جدید، عضویت شورای همکاری خلیج فارس یک سازمان دفاعی مؤثرتر و ساختارمندتر را به همراه خواهد داشت. چنین سازمانی شرایط لازم را برای کشورهای عضو ایجاد می‌کند تا از چتر حفاظت امنیتی، که برای اعضای خود فراهم می‌کند، بهره‌مند شوند. در نهایت، سازمان می‌تواند فراتر از مرزهای فعلی به سمت شمال (ترکیه) گسترش یابد؛ جایی که در عرض جغرافیایی شمالی عراق، ایران و سوریه توقف خواهد کرد (Asmus, 2006: 25).

ناتو تقریباً سه ربع قرن تجربه در مدیریت امنیت چندملیتی برای تضمین ثبات کلی دارد و می‌تواند فهرست جدیدی از همکاری را برای شورای همکاری خلیج فارس، که قبلاً دارای اختیارات و صلاحیت امنیت منطقه‌ای بود، ارائه دهد. عنصر اصلی سیاسی - نظامی ناتو در تمام این سال‌ها به‌ویژه در دوران جنگ سرد بر اساس دکترین موسوم به هارمل استوار است. پیر هارمل، بارون بلژیکی و وزیر امور خارجه سابق، در سال ۱۹۶۷ گزارش مهم «شورا درباره وظایف آینده اتحاد» یا «گزارش خردمندان» را آغاز کرد. پیام اصلی گزارش را می‌توان به‌طور موثر در دو کلمه دریافت: بازدارندگی و گفت‌وگو: «ما این کار را با اتحاد جماهیر شوروی انجام دادیم که در آن زمان دشمن «سرد» ما بود، در حالی که بسیاری از کشورهای جهان یک جنگ جهانی سوم واقعی را تجربه کردند. ما باید همچنان به این دو جمله موفق ادامه دهیم؛ زیرا برای دومین بار پس از سال ۱۹۴۵، جنگ در قاره اروپا با شدت بیشتری در مقایسه با جنگ‌های فروپاشی یوگسلاوی در حال وقوع است» (Politi: 2023).

ناتو علی‌رغم برخی روایت‌ها، یک ائتلاف دفاعی است و اقدامات زیادی برای جلوگیری از تشدید خطرناک تنش‌ها انجام می‌دهد؛ زیرا در آینده نیز بر اساس بازدارندگی و گفت‌وگو ادامه خواهد داشت. خوشبختانه ابتکار همکاری استانبول که الساندرو مینوتوریزو، معاون دبیرکل وقت ناتو تأسیس کرد، به موقع مبنای همکاری محکمی با کشورهای عضو و در آینده با شورای همکاری خلیج فارس فراهم کرده است. مرکز منطقه‌ای ناتو، مستقر در کویت به یک مرکز آموزشی نظامی مهم در منطقه تبدیل شده است؛ اما زمان آن فرارسیده که همکاری با منطقه را جدی بازسازی کنیم که کوته‌فکرانه با رویکردهایی که واقعاً یک را در نظر نمی‌گیرند نادیده گرفته می‌شود؛ امنیت ۳۶۰ درجه، همان‌طور که در چند نشست سران اتحاد بیان شد.

تصور اینکه منطقه جنوبی مدیترانه منطقه ثانویه است، متحدان ناتو را در معرض نفوذ روسیه از سوریه به ساحل قرار داده و به دیگر قدرت‌های بزرگ اجازه داده تا حضور سیاسی و دیپلماتیک خود را گسترش دهند. در حال حاضر فهرست‌های همکاری مفصلی با ابتکار همکاری استانبول وجود دارد؛ اما آنها باید دوباره تقویت شوند و در برخی زمینه‌ها به‌طور مفید برای همکاری نهادهای غیرنظامی باز شوند. منو موضوعات زیر اولویت‌های منطقه‌ای فعلی را در نظر می‌گیرد و زمینه‌های همکاری مدنی را مشخص می‌کند:

کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه، پدافند هوایی، امنیت و کنترل مرزها، چالش‌های جامعه مدرن، برنامه‌ریزی اضطراری مدنی و آمادگی در برابر بلایا، مدیریت بحران و پیشگیری (به‌ویژه امنیت دریایی) سیو-میل، قابلیت استقرار و تحرک (به‌ویژه دریانوردی)، تعامل موثر، هوش موثر، قانون منازعات مسلحانه مدنی، لجستیک، دیپلماسی عمومی مدنی، قاچاق، جنایات سازمان‌یافته و تروریسم مدنی.

در پایان شرایط سیاسی منطقه کاملاً برای افزایش همکاری بین اتحاد و شورای همکاری خلیج فارس آماده است و در زمان مناسب، یک نشست در سطح وزیران بسیار مفید خواهد بود. در حالی که برخی کشورها به‌طور قابل درک در مقایسه با گذشته تمرکز متفاوتی بر خلیج فارس برای نگرانی‌های مبرم‌تر در اقیانوس آرام دارند، ناتو می‌تواند با امنیت همکاری در اطمینان‌بخشی به شرکا و متحدان به‌طور یکسان در منطقه‌ای که به دلیل تحولات استراتژیک در هند اقیانوس، اهمیت بیشتری پیدا کرده است (Politi:2023).

۱۳. چالش‌ها و سناریوهای معاصر برای آینده

تعهد پایدار ناتو به درک چالش‌های فزاینده و بسیار پویا در این بخش پیچیده از جهان، اهرم مناسبی برای تحریک مشارکت همه شرکا و سازمان در جست‌وجوی اقدامات کافی برای دستیابی به ثبات همه است.

هفتادمین سالگرد ناتو، تلاش‌های طولانی مدت اتحاد برای حفظ تمرکز بر چگونگی تعادل بهتر اصول همبستگی و حمایت متقابل با منافع امنیتی اعضای خود است. بدون شک آینده یک اتحاد معتبر و موثر کلیدی برای پایداری بیشتر کردن این دنیای پیچیده خواهد بود و این تنها میراثی است که برای نسل‌های آینده ما باقی می‌ماند. با این حال، یک گام رو به جلو استفاده از جعبه ابزار ناتو به عنوان یک اتحاد سیاسی - نظامی برای رسیدگی به دو عامل کلیدی بی‌ثباتی است که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. از یک سو، برخورد قدرت‌های منطقه‌ای وجود دارد که به طور فزاینده از زور تهاجمی به صورت پنهان یا آشکار برای حفاظت از منافع و گسترش نفوذ خود استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، فقدان کنترل دولتی بر برخی کشورها، به دلیل جنگ داخلی یا فروپاشی دولت مانند سوریه، لیبی و یمن وجود دارد. تکامل سیاسی و استراتژیک جناح جنوبی برای اتحاد به اندازه شرق مهم است.

ساحل و لیبی ممکن است غافل‌گیری بدی را در سال‌های آینده داشته باشند. اگر در مغرب انقلاب اسلامی داشته باشیم، منطقه‌ای که بخشی جدایی‌ناپذیر از مرزهای جنوبی اروپاست، چه؟ استراتژی ناتو و اتحادیه اروپا در قبال جنوب نیز باید بر ثبات کلی اقتصادی و سیاسی این کشورها تأثیر بگذارد؛ زیرا برای امنیت ما بسیار مهم است. اکنون، وضعیت مبرم در دریای مدیترانه، تضمین امنیت دریایی، مقابله با قاچاق انسان، جلوگیری از هجوم جنگنده‌های خارجی به خاک ناتو و متوازن کردن آرمان‌های روسیه را ضروری می‌کند. ناتو تنها می‌تواند از طریق یک مدل همکاری مجدد با شرکای خود به مشکلات امنیتی انسانی و چالش تروریسم رسیدگی کند؛ زیرا این خطرات به‌ویژه از همسایگی جنوبی ناشی از بی‌ثباتی است. وقتی نوبت به مقابله با چالش‌های دولتی می‌رسد، بازسازی سوریه اهرم اصلی غرب باقی می‌ماند. در این تئاتر، غرب باید بتواند روسیه را از تبدیل شرق مدیترانه به حیاط خلوت خود بازدارد؛ همچنین باید با مسکو برای تضمین یک سوریه با ثبات که دیگر بی‌ثباتی تولید و صادر نمی‌کند، همکاری داشته باشد، زیرا سوریه «بیش از حد» برای

نادیده گرفتن شکننده است. در محیطی که چالش‌ها و تهدیدهای نوظهور می‌توانند از هر جایی رخ دهند، پرداختن به آن چالش‌ها نیازمند شبکه‌ای قوی از متحدان و شرکاست که به دنبال توسعه روابط صلح‌آمیز و دوستانه برای ارتقای صلح و ثبات هستند. در این سناریو، متفقین باید پیوند فراآتلانتیک و همبستگی خود را تقویت کنند، به دنبال رویکرد ۳۶۰ درجه با در نظر گرفتن دستیابی به وظایف اساسی مفهوم استراتژیک باشند: دفاع جمعی، مدیریت بحران و امنیت مشارکتی. این بدان معناست که هیچ برتری بین شمال و جنوب وجود ندارد؛ بلکه نیاز به داشتن یک بینش جهانی از معنای امنیت وجود دارد. اگرچه منابع بسیاری درباره بدبینی در دریای مدیترانه به ناتو به مناسبت هفتادمین سالگرد تاسیس آن وجود دارد؛ امید نیز هست. از این گذشته، ویژگی اصلی اتحاد، سازگاری است. ناتو تنها جایی خواهد بود که در آن ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، اتحادیه اروپا و ترکیه برای اشتراک ارزش‌ها و منافع امنیتی خود در کنار هم خواهند بود. به همین دلیل است که ناتو به وضوح ظرفیت سازگاری را نشان می‌دهد که بی‌نظیر باقی می‌ماند؛ این همچنان برجسته‌ترین نمونه در تاریخ یک اتحاد سیاسی - نظامی است که قادر به ابتکار خود در طول هفت دهه قابلیت همکاری و اهداف مشترک است (Bressan, 2019: 38-39).

۱۴. جمع‌بندی

به‌طور کلی، ابتکار همکاری استانبول - ناتو به روی تمام کشورهای علاقه‌مند منطقه که با هدف ابتکار از جمله مبارزه علیه تروریسم و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی موافق‌اند، باز خواهد بود. در چهارچوب این ابتکار، شورای آتلانتیک با هر کشور علاقه‌مند بر اساس جایگاه شایسته آن رفتار می‌کند. ناتو در راستای منافع خود در منطقه خلیج فارس ابتکار همکاری استانبول را بنا گذاشت تا اقدامات خود را در چهارچوب اصول و اهداف ابتکار رسمیت بخشد. در این راستا، ناتو به دنبال گسترش نفوذ خود به منطقه به صورت تدریجی و مرحله‌ای است و این کار را در چهارچوب برنامه‌هایش انجام می‌دهد.

این ابتکار همچنین رابطه ویژه ناتو با کشورهای شریک گفت‌وگوی مدیترانه‌ای را تکمیل می‌کند. در مجموع، ناتو برای دستیابی به اهداف خویش در چهارچوب ابتکار همکاری استانبول اقدامات زیر را در دستور کار خویش قرار داده است:

- حل و فصل منازعات منطقه‌ای از جمله منازعه اعراب - رژیم صهیونیستی؛

- تشویق و ترویج همکاری اقتصادی منطقه‌ای؛

- اتخاذ رویکرد پایدارتر و درازمدت‌تر توسط بازیگران خارجی محوری نسبت به مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون در منطقه؛

- حذف فعالیت‌های تجاری محدودکننده در عرصه اقتصادی با هدف کمک به کشورهای آسیب‌پذیر و حمایت از روند توسعه پایدار منطقه.

- اقدامات قاطع در خصوص چالش‌هایی همچون قاچاق مواد مخدر یا انسان و مبارزه با بیماری‌های فراگیر مثل ایدز در کمک به کشورهای منطقه؛

- حمایت تشویق‌آمیز از دول و ملل علاقه‌مند منطقه به مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون.

هنگامی که ناتو در ژوئیه ۲۰۰۴، ابتکار همکاری استانبول خود را اعلام کرد، همکاری عملی را با کشورهای خاورمیانه گسترده‌تر از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) آغاز کرد. کشورهای عرب خلیج فارس از این ابتکار آمیخته با علاقه و سوءظن استقبال کردند. از یک سو، محیط امنیتی به سرعت در حال تحول و بی‌ثبات در منطقه خلیج فارس مطمئناً فرصتی را برای بازیگران خارجی فراهم کرد تا درگیر شوند و اصلاحات را تشویق و اجرا کنند. شورای همکاری خلیج فارس به دنبال رویکردهای جایگزین برای فرار از بی‌ثباتی ذاتی سه دهه گذشته بوده است. ناتو بالقوه یک جایگزین بود. از سوی دیگر، ابتکار عملی که در چهارچوب ناتو مطرح می‌شود، به عنوان مکانیزمی بیش نیست که غرب به وسیله آن می‌تواند به کنترل منطقه ادامه دهد. با رو به وخامت رفتن شهرت ایالات متحده در خلیج فارس، ناتو به عنوان گرگی در لباس میش یا بسته جدیدی برای سیاست‌های غرب در گذشته تلقی شد. اینکه ناتو چگونه می‌تواند به راه‌اندازی منطقه در یک دوره امنیتی جدید کمک کند، هنوز تعریف نشده است (Asmus, 2006: 17).

References

- Asmus, Ronald.(2006) NATO and global partners: views from the outside, The German Marshall Fund of the United States 1744 R Street, NW. Available at: https://www.diplomatie.gouv.fr/IMG/pdf/A4_Asmus-Editor_d.pdf
- Baltes, P. B (2008). Positionspapier: Entwurf einer Lebensspannen-Psychologie der Sehnsucht. Utopie eines vollkommenen und perfekten Lebens. Psychologische Rundschau, 59(2), Pp 77-86. Available at: <https://doi.org/1924.59.2.77-0012/10.1026/>
- Bressan, Matteo (2019). NATO's Challenges in the South Flank, European institute, ISSN 0014-2808 doi 10.3917/eufor.389.0033
- Borawski, John (1996). NATO ENLARGEMENT AND RUSSIA. PERCEPTIONS.;1.
- Brown, Lauren (2023). Partnership, Not Pivot: NATO's Legal Answer to the China Question. Available at: <https://www.squirepattonboggs.com//media/files/insights/>
- Chand, Hari Prakash (2022). Implications of Neorealism and Neoliberalism on Geopolitics and Foreign Policy, Canadian International Conference on Humanities & Social Sciences, Articla.
- Geeta, Gouri (1991). Privatisation and Public Enterprise, the Asia-Pacific Experience, New Delhi: Institute of Public Enterprise.
- Gürses, Emin (2023). NATO: From Control of the Western Territorial Line, to Control of the Wider International Territory, BRIQ Belt & Road Initiative Quarterly, 4(3), Pp 38-60. Available at: <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-89251-5>.
- Kishk, Ashraf (2009). The Istanbul Cooperation Initiative Agreement between NATO and the Gulf Cooperation Council Countries Obstacles and Propositions, (NATO Defense College NDC Fellowship Monograph Serie).
- Koolayi, Elaha; Tishehyar, Mandana; Mohammadi, Mahmoud (2006). North At-

lantic Treaty Organization, University of Tehran Publishing and Printing Institute. **[in persian]**

Madson, Peter.(2006) THE SKY IS NOT FALLING: REGIONAL REACTION TO A NUCLEAR ARMED IRAN, MASTER OF ARTS IN NATIONAL SECURITY AFFAIRS from the NAVAL POSTGRADUATE SCHOOL. file:///C:/Users/aram/Downloads/462175.pdf

North Atlantic treaty organization (2022). Istanbul Cooperation Initiative. Available at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_52956.htm

Politi, Alessandro (2023). NATO-GCC: cooperative security in the strategic context,nato defence college foundation. Available at: <https://www.natofoundation.org/food/nato-gcc-cooperative-security-in-the-strategic-context/>

Tabatabai, Seyyed Mohammad; Pourasmeili, Najmee (2012). Comparative explanation of Security Council and NATO intervention in Kosovo and Libya crises. World Politics, 4(2), Pp 65-99. **[in persian]**

Toje ,Else (2008). The EU-NATO and European Defence, Occasional, Occasiobal. Available at: <https://asletoje.no/wp-content/uploads/2021/07/A-slow-train-coming.pdf>

Yaffe, Mike (2004). United States Air Forces in Europe (USAFE), History of Headquarters, United States Air Forces in Europe.

Zagorski ,Paul W. (2009). Comparative Politics: Continuity and Breakdown in the Contemporary World, 1st Edition, Routledge.

Zhukov.YM, John (2016). Use of force and civil-military relations in Russia: an automated content analysis. Journal of comparative economics, 44 (1), Pp 1-15.